

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۰۱



رفعت حسینی

شعر مدحی به نثر از: خلیل الله خلیلی



YOUTUBE.COM

London Seminar on King Habibullah Kalakani's Place in the Contemporary History of Afghanistan

بربرگه نخست زیست نامه خلیل الله خلیلی این { تاپه } به رنگ سیه ولی [خوانا و جلی] دیده می شود: شاعر مداح. به پنداشت نگارنده این متن فشرده، کتاب ارتجاعی « عیاری از خراسان »، نگاشته شده از سوی این لندهور ادبی، خلیل الله خلیلی، در واقع شعر مداحانه است مگر به نثر. **شعر مدحی و نثر مدحی در حقیقت > ستایش نامه < هستند و نادرست و تصویری و خیالی.** این (شعر مداحانه به نثر) در ستایش یک رهن سرگردنه کوه دامنی بنام حبیب الله بچه سقو پدید آمده است.

بچه سقو فاقد هرگونه حیثیت مدنی _ اجتماعی بود که در وصف و پرستش احمقانه از وی، با شرارت، کتابی مرتجعانه از سوی خلیلی نگاشته شود.

این واقعیتی در درازای تاریخ افغانستان می باشد:

شاه امان الله پسر حبیب الله، [نخستین و نخستین و نخستین] رهبر دولت در افغانستان بود که برای رفاه و بهبودی زندگی مدنی و آموزش و پرورش باشندگان افغانستان گام برداشت (و نهضتی ملی) را بنیاد نهاد .

مگر بچه سقو ، بهمراهی ((روحانیون !!!!)) فرسوده اندیش دین اسلام و «ملا!!!» هایی که چون سنگ سیاه فکرمی کردند و می کنند، در برابر برنامه های رفاه مدنی امان الله شوریدند.

وخلیلی، مرتجع بزرگ و بی معرفت و بی گانه با اساسات و ارزش های مدنی _ انسانی، در وصف خیالی و تصویری بچه سقو، کتاب «عیاری از خراسان» را نبشت و نام مکروه خود را در زباله دانی تاریخ سده بیست افغانستان جاداد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

بچه سقو پس ازینکه قدرت دولتی را تصاحب نمود، در نخستین باصطلاح فرمان بی سوادانه اش بحیث رئیس دولت، چنین گودالی بویناک برای شخص خویش در ان فرمان حفر نمود:
« فرمان پادشاهی

چون بمرحمت حضرت الهی و تائیدات دین رسالت پناهی به خلع امان الله مخرب دین که یگانه آرزوی ما و شما بود موفق شدم از بدو جلوس خود اجراءات نامشروع او را ممنوع نموده ام برای آگاهی شما غیرت داران دین حضرت سیدالانام ذیلاً مینگارم .

- ۱ - سلام که از طریقه مسنونه است و باشاره کلاه رواج داده بود مطابق سنت سنیه امر دادم .
 - ۲ - دستار که از طریقه و سنت آنحضرت است و ادای نماز بآن کامل میگردد موقوف کرده بود حکم دادم که بالکل دستار رواج باشد .
 - ۳ - البسه اسلامی که ترک شده بود برحال دانسته مشابه کفار را منع کردم .
 - ۴ - ترک ستر را که حکم کرده بود مسترد کردم .
 - ۵ - برآمدن زنان و دختران بالغه را بدون اجازه ولی شان و مکتب مستوراترا موقوف کردم .
 - ۶ - قطع ریش و بروترا موقوف کردم .
 - ۷ - مکاتب انگریزی و فرانسوی و جرمنی را موقوف کردم .
 - ۸ - فرستادن دخترها را که در خارجه نموده بود چون بدناموسی ملت بود جایز ندانستم و آنها را خواسته دیگر فرستادن را قطعاً ممنوع نمودم .
 - ۹ - آنچه کوشش برای ترقیات دنیای دو روزه بدون ملاحظات دینی داشت و از آنها ضرر دینی آنها بظهور میرسید ممنوع نمودم .
 - ۱۰ - استخفاف علم و علما را می نمود و برخلاف آن احترام شان شرعاً واجب است .
 - ۱۱ - نفاق اندازی که بواسطه ترک مذهب و خرابی عقیده خود در اسلام انداخته بود برطرف نمودم زیرا تمام رویه را بر طبق مذهب حنفی نمودم .
 - ۱۲ - حساب هندسه انگریزی را رواج داده بود موقوف کردم .
 - ۱۳ - سنه قمری را که به شمسی تحویل داده بود موقوف کردم .
 - ۱۴ - روز جمعه را که به پنجشنبه تبدیل کرده بود متروک ساختم .
 - ۱۵ - حقوق بیت المال را بخواهشات نفسانی خود صرف کرده مصارف ملا و مؤذن و مساجد را قطع کرده بود جاری ساختم .
 - ۱۶ - امر معروف و نهی منکر را که مانع شده بود رواج دادم .
 - ۱۷ - حضرات مجددی را که پیشوای اسلامیان است محبوس ساخته بود رها ساختم که تلقین دینی نمایند .
 - ۱۸ - شراب خوری را که رواج داده بود بالکل موقوف کردم .
 - ۱۹ - ملا عبدالله خان {مشهور به «ملای لنگ»} مرحوم سمت جنوبی را که در راه سربازی دین مقتول ساخته بود امر دادم که مرقدش درست و آباد کرده شود .
- از نزد فقرات فوق شمایان را اطلاع دادم که مستحضر باشید و علاوه از فقرات فوق الذکر مراعات اهالی را بفقرات ذیل نیز نمودم:
- ۱ - بخشش باقیات سال های ماضی الی اخیر ۱۳۴۷ که از قسم مالیاتی بر ذمه رعایا ملکان باقی مانده باشد .
 - ۲ - ملازمت نظام خوشی برضاء بمعاش ماهواره بیست رویه و چهار سیر غله در سال و دو دست دریشی و یک جوهره بوت .
 - ۳ - معافی اضافات مالیاتی از قبیل طرقی و سرک پلی و باقی وغیره .

این همه تکالیف خلاف شرع شریف را ممنوع کرده مالیه حقیه اسلامی را که شارع حکم داده منظور کرده‌ام و در آسوده‌حالی احوال رعایا چنانچه باید و شاید کوشیده و میکوشم و تمام اجراءات مملکتی را بر طبق جواز شرع انور نموده و می‌نمایم و از شما یاران خواهش دارم که بیعت‌های قومی خود را گرفته باعزّه و اشراف و سادات و علماء و خوانین و ملکان بحضور و الای ما حاضر شوید که علماء و سادات بمکافات خوب نایل و خورسندی حضورم از شما حاصل نموده وظیفه مستمری سادات و خوانین را بقرار بست سلطنت امیر شهید حکم منظوری دادم.

«

من از خواننده فرزانه این نبشته پرسشی دارم: کدام نکته این «فرمان!!!!» ارتجاعی ابلهانه‌ایک اوباش، شایستگی {مدنی} دارد؟ در کجای آن، نکته‌یی از ارزشهای انسانی و دادگری و برابری نهفته است؟

در سال ۲۰۱۶ ترسایی، بدستور تنظیم جهادی جمعیت اسلامی (((ملا))) برهان الدین ربانی، تعدادی از تاجیکان مفت خور «نا آگاه» که با عنوان قلابی پناهنده، در اروپا مشغول مفت خوری هستند، در لندن، کنفرانسی را در یک سالون (((کرای)))، در تجلیل از یک بی شخصیت اجتماعی، از بچه سقو، برپا کردند. این کنفرانس را میتوانید در لینک زیرین ببینید و بشنوید.

<https://www.youtube.com/watch?v=۹zZ-iL-Yntk>

درین کنفرانس «علمی!!!!!!» «در زمینه افکار!!!! بچه سقو برای رفاه زندگی مردم، هیچ و هیچ و هیچ و هیچ، پرداخته نشد. و یک بیانیه دهنده اندیشه های امان الله و بچه سقو را به بررسی و مقایسه نیز نگرفت. یکی از بیانیه دهندگان پیش از گریختن به پاکستان و پناهندشدن، در پوهنتون کابل استاد بود. این آقا در سالهای نهضت آموزش در دوران محمد ظاهر تعلیم دیده بود نه در دوران حکومت دزد سرگردنه: بچه سقو. من گاهی از خودم می پرسم: آن کوه دامنی، پروانی و تاجیک افغانستان، که بچه سقو را (((شاه حبیب الله کلکانی))) خطاب می کنند، چگونه در آیینه بخود می نگرند؟؟؟ شرم ندارند؟؟؟

....